

شناسایی عوامل خروج کارآفرینان: رویکرد روایتی

- پوریا نوری^۱، عبدالله احمدی کاشانی^{۲*}، کامبیز طالبی^۳
۱. دانشجوی دکتری کارآفرینی دانشکده کارآفرینی، دانشگاه تهران
۲. دانشجوی دکتری کارآفرینی دانشکده کارآفرینی، دانشگاه تهران
۳. دانشیار دانشکده کارآفرینی، دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۳/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۲/۳۰

چکیده

خروج کارآفرینانه یکی از مهم‌ترین اجزای فرایند کارآفرینی است. هدف اصلی پژوهش حاضر شناسایی عوامل اثرگذار بر خروج کارآفرینان ایرانی است. بیشتر پژوهش‌ها درمورد خروج به بررسی عوامل اثرگذار بر خروج و آثار خروج بر کسب‌وکارها و بر اقتصاد کلان انجام گرفته‌اند. پژوهش حاضر برحسب هدف، بنیادی و برحسب روش گردآوری اطلاعات رویکردی روایتی است که عوامل و ریشه‌های خروج کارآفرینان را بررسی کرده است. بازه زمانی این تحقیق ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۴ است. جامعه آماری این تحقیق کارآفرینان ایرانی هستند. دوازده مصاحبه با روش نمونه‌گیری هدفمند انجام گرفت و با تحلیل داده‌ها از طریق روش کدگذاری، هفت عامل برای خروج کارآفرینان شناسایی شد. شرایط نامساعد محیطی و قانونی برای کسب‌وکار، شناسایی فرصت‌های بهتر کسب‌وکار، مشکلات مالی، شرایط عاطفی، برآوردنکردن چشم‌انداز مناسب، مشکلات مدیریتی و اداره کسب‌وکار و مشکلات شراکت به‌عنوان عوامل خروج در میان کارآفرینان مورد بررسی شناسایی شد.

واژه‌های کلیدی: خروج کارآفرینانه، رویکرد روایتی، عوامل خروج کارآفرینان.

مقدمه

با توجه به اهمیت کارآفرینان و کارآفرینی برای رشد، توسعه و رفاه جوامع، جنبه‌های گوناگون فرایند کارآفرینی به صورت گسترده بررسی شده است. بیشتر پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه کارآفرینی نشان می‌دهند فرایند کارآفرینی با خلق و برپایی کسب‌وکار خاتمه می‌یابد (De Tienne, 2010). برخی صاحب‌نظران به این دیدگاه تردید دارند. خروج کارآفرینان بخشی از فرایند کارآفرینی شناخته شده است که نه فقط برای فرد کارآفرین بلکه برای بنگاه، حرفه و اقتصاد اهمیت فراوانی دارد (De Tienne, 2010; Wennberg et al., 2010). خروج کارآفرینانه یعنی فرایندی که بنیانگذاران کسب‌وکارهای خصوصی بنگاه را ترک می‌کنند (DeTienne, 2010). خروج بخش مهمی از فرایند کارآفرینی است. بسیاری از کارآفرینان موفق در ابتدای ورود به کسب‌وکار راهبرد خروج را تدوین نیز می‌کنند. این کارآفرینان به طور هدفمند و پس از رسیدن کسب‌وکار به مراحل مشخص، از حرفه یا کسب‌وکار فعلی خارج می‌شوند و کسب‌وکار جدیدی راه‌اندازی می‌کنند (DeTienne, 2010). داشتن برنامه و راهبرد خروج یکی از وجوه متمایزکننده کارآفرینان موفق و ناموفق است (Decker & Mellewigt, 2007). برخلاف تصور رایج، خروج کارآفرینان مترادف شکست آن‌ها نیست و بسیاری از کارآفرینان خارج شده، با کسب تجربه بیشتر و یادگیری از فعالیت‌های قبلی، دوباره به حرفه قبلی یا حرفه جدید وارد می‌شوند. شکست به معنی انحلال کسب‌وکار و توقف فعالیت‌های آن یا شکست تجاری کسب‌وکار است (Headd, 2003). در مقابل، خروج ترک کسب‌وکار از سوی کارآفرین تعریف می‌شود و این خروج نشانگر شکست و توقف فعالیت‌های بنگاه نیست. شکست انواع مختلفی دارد. هید (۲۰۰۳) در کل شکست کسب‌وکارها را شامل یکی از شرایط زیر می‌داند: ۱. زمانی که بازگشت سرمایه بنگاه به صورت آشکار کمتر از سرمایه‌گذاری اولیه است؛ ۲. وقتی که مالک کنترل بنگاه را کامل از دست می‌دهد و بنگاه دیگر به عنوان تمامی تجاری وجود خارجی ندارد؛ ۳. هنگامی که مالک به هر دلیلی به اهداف مورد نظر خود نمی‌رسد و بنگاه را ترک می‌کند.

پژوهشگران بسیار کوشیده‌اند تا بین خروج و شکست تفاوت قائل شوند و این دو را به عنوان دو پدیده جدا از هم مطالعه کنند (Leroy et al., 2007). بخش گسترده تحقیقات

درمورد خروج کارآفرینان بیشتر بر عوامل مؤثر در خروج، شرایط خروج کارآفرینان، ورود مجدد آن‌ها و نیز تفاوت‌های بین خروج و شکست تمرکز کرده‌اند (DeTienne, 2010: 203). با توجه به اهمیت فراوان مفهوم خروج در موفقیت و شکست کارآفرینان و نقش برجسته آن در کسب تجربه برای کارآفرینان و نیز با توجه به اینکه پژوهش‌های میدانی چندانی در این زمینه وجود ندارد، شناسایی دلایل و ریشه‌های خروج کارآفرینان اهمیت بسیاری دارد. با وجود اهمیت مفهوم خروج، تاکنون پژوهش میدانی با هدف بررسی و شناسایی عوامل اثرگذار بر خروج کارآفرینان انجام نگرفته است و این شکاف پژوهشی وجود دارد. پژوهش حاضر با هدف ازبین بردن این شکاف پژوهشی انجام گرفته است و عوامل خروج کارآفرینان ایرانی را مطالعه می‌کند. این پژوهش نخستین مطالعه میدانی درمورد ریشه‌های خروج کارآفرینان ایرانی است. هدف اصلی پژوهش حاضر شناسایی عوامل اثرگذار بر خروج کارآفرینان ایرانی است.

مروری بر مبانی نظری و پیشینه تحقیق

خروج کارآفرینانه فرایندی است که در آن بنیانگذاران کسب‌وکارهای خصوصی بنگاه کسب‌وکار را ترک می‌کنند و دیگر هیچ مسئولیتی درمورد آن ندارند (DeTienne, 2010). بخش اعظم پژوهش‌های انجام گرفته دو نوع خروج را شناسایی کرده‌اند: ۱. خروج از بازار که نوعی راهبرد شناخته می‌شود؛ ۲. خروج بنگاه (ورشکستگی یا تعطیلی بنگاه) (Decker & Mellewigt, 2007: 47). پژوهش‌های پیشین بیشتر عوامل فردی اثرگذار بر خروج و چرایی، چگونگی و زمان تصمیم مالک و بنیانگذار بنگاه را برای خروج بررسی کرده‌اند (De Tienne, 2010; Wennberg et al., 2007). ماینور (۲۰۰۳) با مطالعه دوازده مورد خروج نتیجه گرفت به دلایل مختلف عاطفی، احساسی و روان‌شناسی، افراد کمی خود را برای خروج از بنگاه آماده می‌کنند. لروی و همکاران (۲۰۰۷) نتایج خروج را براساس قصد، انگیزش و عوامل شخصیتی کارآفرینان مالک بنگاه بررسی کردند. ونبرگ و همکاران (۲۰۰۷) نقش و آثار سرمایه‌انسانی را بر خروج بررسی کردند. ونبرگ (۲۰۰۸) خروج کارآفرینان را نه پدیده‌ای انتزاعی، بلکه پدیده‌ای چندوجهی دانست که از جنبه‌های گوناگون فرد، بنگاه و حرفه به بررسی نیاز دارد. دتینه (۲۰۱۰) خروج را فرایندی می‌داند که از سه جنبه سطح تحلیل، خصوصی یا عمومی بودن و متغیرهای وابسته قابل بررسی است.

ایمانی‌پور و کنعانی (۱۳۸۸) در تحقیقی عوامل مؤثر بر تصمیم به خروج سرمایه‌گذاران مخاطره‌پذیر را شناسایی کردند و چهارده شاخص را شناسایی کردند. از میان شاخص‌های نهایی، پنج مورد به عملکرد شرکت سرمایه‌پذیر، چهار مورد به سرمایه‌گذار، سه مورد به عوامل محیطی و دو مورد به کارآفرین مربوط است. آن‌ها نتیجه گرفتند در نظر گرفتن ترکیبی از این شاخص‌ها در هنگام اتخاذ تصمیم به خروج ضروری است. به‌ویژه، بی‌توجهی به عوامل مربوط به کارآفرینان موجب چالش‌های جدی در مدیریت فرایند خروج می‌شود (ایمانی‌پور و کنعانی، ۱۳۸۸). آراستی و غلامی (۱۳۸۹) در تحقیقی عوامل شکست کارآفرینان را در ایران شناسایی و میزان اهمیت هریک از این عوامل را تعیین کرده‌اند. آن‌ها عوامل اصلی شکست کارآفرینان را در ایران سه عامل خارجی، جو اقتصادی نامناسب جامعه، قوانین و مقررات دولتی و تأمین نامناسب منابع مالی از راه سرمایه‌گذاران و بانک‌ها و سه عامل داخلی تغییر انگیزه‌ها، خستگی و دل‌سردی از کار، ارزیابی غیرواقعی طرح و عضویت نداشتن در شبکه‌ها و گروه‌های مرتبط با کسب‌وکار دانستند (آراستی و غلامی، ۱۳۸۹). محمدی الیاسی و نوتاش (۱۳۹۰) در پژوهشی با روش تحقیق روایتی روایت‌های زندگی کاری ده کارآفرین کارکشته را شناسایی کردند که در کارهای خود تجربه شکست‌های گوناگون داشتند. آن‌ها در هفت مقوله نداشتن دانش، تجربه و مهارت‌های کارآفرینی، چالش بازاریابی و فروش، مشکلات شراکت نامناسب، انعطاف‌ناپذیری در روش، مشکلات مالی، شیفستگی به مسیر خطا و نامساعد بودن محیط کسب‌وکار طبقه‌بندی کردند. نوتاش (۱۳۹۲) در پژوهشی براساس روش تحقیق روایتی / تحلیل گفتمان، چارچوب مفهومی اولیه‌ای را درباره چگونگی یادگیری از شکست کارآفرینان کارکشته ایرانی ارائه کرده است. چارچوب ارائه‌شده از سوی وی شامل ریشه‌های شکست کارآفرینان، پیامدهای شکست، اقدامات برگزیده برای مواجهه با شکست و درنهایت آموخته‌های حاصل از شکست می‌شود.

دینه (۲۰۱۰) با جمع‌بندی مطالعات انجام‌گرفته در زمینه خروج به نتایج زیر رسید: ۱. با وجود تفاوت‌های فاحش خروج با شکست، هنوز بسیاری از محققان و پژوهشگران و نیز کارآفرینان این دو را مترادف یکدیگر یا بسیار همسان در نظر می‌گیرند؛ ۲. راهبرد مناسب خروج یکی از وجوه متمایزکننده کارآفرینان موفق و ناموفق است؛ ۳. اهمیت نقش فرد

کارآفرین در مطالعات خروج زیاد پرننگ نبوده است و عواملی مانند ساختار بنگاه، قوانین ورشکستگی حاکم، صاحبان سهام و... نقش برجسته‌ای در این زمینه داشته‌اند. در واقع، نقش فرد کارآفرین و عوامل فردی اثرگذار بر تصمیم به خروج وی باید بیشتر بررسی شود.

اهمیت خروج

برخی صاحب‌نظران فرایند کارآفرینانه را شامل چهار بخش آغاز،^۱ باروری،^۲ طفولیت^۳ و نوجوانی^۴ می‌دانند (Reynolds & White, 1997). چنین دیدگاهی در کل فرایند کارآفرینی را بیشتر تا مراحل نوپایی و آغازین آن می‌داند. دیدگاه‌های دیگر فرایند کارآفرینی را شامل مراحل بیشتری از جمله مراحل رشد و بلوغ^۵ نیز دانسته‌اند (Cardon et al., 2005). دتینه (۲۰۱۰) فرایند کارآفرینی را بدون خروج فرایند کاملی نمی‌داند و مرحله خروج را نیز به مراحل قبلی افزوده است.

خروج از جنبه‌های مختلف برای فرد کارآفرین مالک بنگاه، حرفه و اقتصاد اهمیت زیادی دارد. فرد کارآفرین فرصت‌ها را شناسایی می‌کند و برای بهره‌برداری از آن‌ها منابع مختلف مالی، زمانی، روحی و عاطفی صرف می‌کند (DeTienne, 2010: 205). از نظر برخی پژوهشگران وابستگی عاطفی بسیار عمیقی بین مالک و بنیانگذار و بنگاه وی برقرار است و این بار عاطفی و احساسی زیادی را در پی خروج برای کارآفرین به همراه دارد (Dodd, 2002). اهمیت خروج برای بنگاه از دو نظر مثبت و منفی قابل بررسی است. خروج کارآفرینان منابع مالی و نیروی انسانی جدید بنگاه را تأمین می‌کند و به جایگزینی اداره‌کنندگان قبلی با مدیران باتجربه‌تر منجر می‌شود (Boeker & Wiltbank, 2005). همچنین، از مهم‌ترین جنبه‌های منفی خروج برای بنگاه می‌توان به ناامنی شغلی، اختلال در کار و کاهش عملکرد بنگاه و برهم خوردن ساختار تصمیم‌گیری بنگاه اشاره کرد (Haveman & Khaire, 2004).

1. Conception
2. Gestation
3. Infancy
4. Adolescence
5. Maturity

عوامل مؤثر بر خروج

براساس سابقه تحقیق، کارآفرینانی که کسب و کارهای کوچک را بنیان نهاده‌اند به بنگاه کسب و کار وابستگی زیادی دارند و به‌ویژه اگر انگیزه‌های اصلی آنها رشد یا سود باشد، از ابتدای فرایند کارآفرینی نوعی راهبرد خروج از کسب و کار را تدوین و طراحی می‌کنند (DeTienne, 2010: 208).

وجود فرصت برای کسب و کارهای دیگر از عوامل مهم اثرگذار بر تصمیم به خروج افراد است. به این ترتیب، کارآفرینان فرصت‌های سودآور بهتری را شناسایی می‌کنند و از بنگاه خارج می‌شوند تا از آنها بهره‌برداری کنند (Maertz & Campion, 2004). در چنین شرایطی، تصمیم به خروج به میزان سرمایه‌گذاری فعلی کارآفرین در بنگاه فعلی اش وابستگی زیادی دارد. در مراحل آغازین و میانی کسب و کار، کارآفرین شانس موفقیت و احتمال رسیدن به اهداف خود را برآورد می‌کند و در صورتی که شانس موفقیت چندانی برای خود قائل نباشد، شاید خارج شود (DeTienne, 2010: 210). پژوهشگران در بررسی عوامل مهم اثرگذار روی تصمیم به خروج، بر عوامل مهم دیگری از جمله وابستگی عاطفی به بنگاه عوامل روان‌شناختی، شناختی و انگیزشی، امکانات مالی و قوانین ورشکستگی کشور مربوطه تأکید کرده‌اند (Leroy et al., 2007). در مجموع، دتینه (۲۰۱۰) باور دارد برای شناختن ریشه‌های خروج کارآفرینان باید به درک و شناخت بهتری از ذهنیت و تصمیم‌گیری کارآفرینان رسید.

روش تحقیق

این پژوهش برحسب هدف، بنیادی است و برحسب روش گردآوری اطلاعات رویکردی روایتی دارد و از سال ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۴ انجام گرفته است. دلیل اصلی انتخاب این روش، نیاز به شناسایی ریشه‌ها و عوامل خروج کارآفرینان براساس بررسی تجربه‌های کارآفرینانی است که تجربه خروج دارند و داستان چگونگی تجربه کردن خروج خود را روایت کرده‌اند (Schutt, 2011).

برای انجام دادن این تحقیق از ابزار مصاحبه واقع‌محور استفاده شد. به منظور استخراج

پرسش‌های مصاحبه عمیق، چارچوب مصاحبه STAR^۱ (Kessler, 2006) به کار گرفته شد و در ادامه پرسش‌های تهیه شده در مصاحبه اولیه آزمون اصلاح شد و پرسشنامه نهایی شامل شش پرسش برای مصاحبه تهیه شد. در انجام دادن مصاحبه از نمونه‌ها خواسته شد تا سرگذشت کسب و کار خود را در قالب داستان از ابتدا تا زمان خروج و پس از آن روایت کنند. برای اطمینان از کامل بودن اطلاعات و از قلم نیفتادن جنبه‌های اساسی واقعه خروج کارآفرینان، از پرسش‌های مصاحبه به عنوان چارچوب راهنما استفاده شد؛ یعنی اگر نمونه مورد مصاحبه در زمان صحبت در مورد سرگذشت خویش، موردی را فراموش می‌کرد، با استفاده از این پرسش‌ها از وی خواسته می‌شد بحث را کامل کند.

جامعه آماری این تحقیق کارآفرینان ایرانی فعال در صنایع الکترونیک، IT، کشاورزی، صنایع غذایی و شیمیایی بودند. روش نمونه‌گیری هدفمند برای انتخاب نمونه‌ها به کار برده شد (Creswell, 2005: 405) که بر اساس شاخص‌های زیر برگزیده شدند: ۱. تجربه راه‌اندازی کسب و کار و بر اساس شناسایی فرصت‌های کارآفرینانه و بهره‌برداری از آن. فرصت به عنوان شانس برآورده ساختن نیازها، علاقه‌ها و خواسته‌های بازار از راه ترکیب خلاق منابع برای ارائه ارزش به مشتریان تعریف می‌شود. ۲. برخورداری از تجربه خروج در چرخه عمر کسب و کارهای خود.

برای خروج نیز خروج کارآفرین از بنگاه و کسب و کارش مبنا قرار گرفت، زیرا همان‌گونه که ونبرگ و همکاران (۲۰۱۰) پیشنهاد می‌کنند، در تحقیقات باید بین خروج کارآفرینان از بنگاه و بین خروج خود بنگاه تمایز قائل شد و هر دو زمینه را بررسی کرد. تحقیق حاضر به شناسایی عوامل خروج کارآفرینان از بنگاه پرداخته است.

حجم نمونه با جمع‌آوری داده محدود شد. معیار قضاوت در مورد زمان متوقف کردن نمونه‌گیری نظری مقوله‌ها یا نظریه است تا زمانی که به اشباع برسیم (محمدمدی الیاسی و نوتاش، ۱۳۹۰). در مرحله اشباع، تئوری به حدی از انسجام می‌رسد که تغییرات کلی در آن با افزایش نمونه

۱. رویکرد STAR بر جنبه‌های زیر به عنوان ارکان اصلی اتفاق افتادن یک رویداد تأکید دارد:

(الف) موقعیت (Situation): موقعیت و شرایط ویژه‌ای که در زمان ایجاد یک کنش وجود داشته است؛

(ب) کار (Task): موقعیت، شغل و جایگاه افراد تأثیرگذار در ایجاد آن کنش؛

(ج) کنش (Action): اقدامات انجام گرفته توسط افراد مورد نظر؛

(د) نتایج (Result): نتایج و خروجی‌های کنش مورد نظر.

کم کم کاهش می‌یابد (دانایی فرد و امامی، ۱۳۸۶: ۷۹). این امر در نمونه یازده و دوازده محقق شد. برای روایی تحقیق ابزار گردآوری اطلاعات به صورت نظام‌مند طراحی شد و از نظرهای خبرگان در اصلاح و تکمیل آن استفاده شد. همچنین، کارآفرینانی که تجربه خروج داشتند برای نمونه انتخاب شدند و این امر به روایی تحقیق کمک کرد. رسیدن به نقطه اشباع در پژوهش حاضر تضمین‌کننده پایایی آن بود. چنین امری با انجام و تحلیل داده‌های مصاحبه دوازدهم حاصل شد. تحلیل داده‌ها با روش کدگذاری و مقوله‌بندی انجام گرفت. برای تحلیل داده‌ها سه مرحله اصلی شامل کدگذاری اولیه (استخراج شواهد)، کدگذاری ثانویه (تلفیق موارد مشابه یا شناسایی شاخص‌ها) و شناسایی مقوله‌ها (تلفیق و پیوند بین شاخص‌ها) صورت گرفت (محمدی الیاسی و نوتاش، ۱۳۹۰).

یافته‌ها

در این پژوهش دوازده کارآفرین ایرانی نمونه آماری در نظر گرفته شدند. جدول ۱ آمار توصیفی مربوط به آن‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۱. مشخصات جمعیت‌شناختی

درصد	تعداد		
۸۳/۳	۱۰	مرد	جنسیت
۱۶/۷	۲	زن	
۲۵	۳	زیر ۳۰	سن
۵۸/۴	۷	۳۰-۵۰	
۱۶/۶	۲	بالای ۵۰	
۵۰	۶	لیسانس	سطح تحصیلات
۴۳/۴	۴	فوق‌لیسانس	
۱۶/۶	۲	دکتری	
۱۶/۶	۲	الکترونیک	صنعت یا بخش
۲۵	۳	فناوری اطلاعات	
۱۳/۲	۱	کشاورزی	
۲۵	۳	صنایع غذایی	
۱۶/۶	۲	مواد شیمیایی	

مرحله اول تحلیل: کدگذاری اولیه. ابتدا کدگذاری اولیه یا همان شناسایی شواهد از طریق مصاحبه‌های نگارشی در قالب جدول ۲ به تفکیک انجام گرفت.

جدول ۲. کدگذاری اولیه (شناسایی شواهد)

شماره نمونه	عوامل خروج
۱	۱. فرصت‌های بهتر ۲. نبود ثبات در سیاست‌های دولتی ۳. وصول نشدن مطالبات ۴. مشکلات خانوادگی ۵. شکل‌نگرفتن کار گروهی ۶. بازار بی‌آینده ۷. نبود ریسک‌پذیری ۸. نبود نیروی متخصص ۹. ضعف در برنامه‌ریزی ۱۰. بازاریابی ضعیف ۱۱. ناهماهنگی شرکا
...	...
۱۱	۱. ضعف در پیش‌بینی بازار ۲. عوامل پیچیده محیطی ۳. نداشتن سرمایه کافی در گردش ۴. بازنشستگی ۵. افزایش سن و کاهش توان کار ۶. استرس فراتر از حد تحمل ۷. صنعت بدون آینده ۸. نبود مدیریت بروز ۹. انتخاب شریک براساس رفاقت نه تخصص ۱۰. دقت کم در هنگام انتخاب شریک
۱۲	۱. تأسیس شرکت جدید ۲. افزایش قیمت ارز ۳. بی‌اطمینانی زیاد محیطی ۴. استرس بسیار روزانه ۵. شراکت براساس رفاقت و آشنایی ۶. نداشتن ریسک ۷. صنعت بدون رشد ۸. ضعف در بازاریابی و فروش

مرحله دوم تحلیل: کدگذاری ثانویه. در این مرحله به منظور کدگذاری ثانویه موارد مشابه دسته‌بندی شد و با حذف موارد تکراری، شاخص‌های مرتبط با موضوع شناسایی شد. با توجه به طولانی بودن مطالب کدگذاری ثانویه که به شناسایی ۳۷ شاخص انجامید، نمونه‌هایی از آن در قالب جدول ۳ ارائه شده است. E1-2 به معنی کد دوم در مصاحبه اول است.

جدول ۳. نمونه‌ای از کدگذاری ثانویه (شناسایی مؤلفه‌ها)

ردیف	شناسایی مؤلفه‌ها	موارد
۱	تغییر مکرر سیاست‌ها	E1-2, E2-4, E10-4, E7-2
۷	بی‌اطمینانی زیاد محیطی	E11-2, E12-3, E9-7
۱۳	امتسرس کاری زیاد	E11-6, E12-1, E9-2, E10-6
۱۶	مشکل در شراکت و توافق‌نداشتن	E11-11, E12-5, E9-4
۲۰	ضعف دانش مدیریتی	E11-8, E3-6, E6-6
۲۸	تأمین‌نکردن سرمایه رشد	E8-6, E3-8, E6-2, E10-5, E7-5
۳۱	ضعف در بازاریابی و فروش	E11-1, E12-8, E3-5, E3-5, E10-8
۳۶	شناسایی بازار بهتر	E7-1, E5-7

مرحله سوم تحلیل: شناسایی مقوله‌ها. در این مرحله، برای شناسایی مقوله‌ها، ترکیب‌های لازم بین شاخص‌ها توأم با معنابخشی انجام گرفت و با این روش مقوله‌های مرتبط با موضوع به شرح جدول ۴ شناسایی شد. در ادامه، برای روشن‌نگری درباره اهمیت مقوله‌های استخراج‌شده توضیحات بیشتر و برخی از نمونه روایت‌ها ارائه می‌شود.

جدول ۴. شناسایی مقوله‌ها

ردیف	مقوله‌ها	موارد
۱	شناسایی فرصت‌های بهتر کسب‌وکار	E7-1, E5-7, E6-3, E3-7, E8-2, E3-7, E2-4, E2-3, E2-2, E1-1
۲	شرایط نامساعد محیطی و قانونی	E8-5, E8-8, E3-2, E3-3, E12-3, E12-2, E2-5, E2-4, E11-2, E1-2, E10-2, E10-3, E10-3, E5-9, E3-2, E3-3, E9-6, E9-1, E9-7, E8-1, E10-4, E7-2, E7-11, E7-13
۳	مشکلات مالی	E6-2, E5-3, E3-8, E9-3, E8-6, E3-8, E11-3, E2-7, E2-6, E1-3, E10-5, E7-5
۴	شرایط عاطفی	E3-4, E12-1, E11-6, E11-5, E11-4, E2-10, E2-9, E1-5, E1-4, E3-4, E7-3, E7-4, E10-6, E5-6, E5-1, E6-5, E6-1, E9-2, E8-3, E3-4
۵	برآوردنکردن چشم‌انداز مثبت	E5-5, E6-4, E3-1, E9-8, E3-1, E12-7, E11-7, E2-11, E1-6, E5-11, E10-1, E7-8, E7-12, E7-9
۶	مشکلات مدیریت و اداره کسب‌وکار	E11-8, E11-1, E12-12, E2-8, E2-1, E1-10, E1-9, E1-8, E1-7, E3-5, E3-6, E9-5, E8-4, E8-7, E3-5, E3-6, E6-6, E6-7, E5-8, E5-10, E5-2, E10-7, E10-8, E7-10, E7-6, E7-7, E5-4
۷	مشکلات شراکت	E9-4, E11-10, E11-9, E1-11

۱. شناسایی فرصت‌های بهتر کسب‌وکار

مقوله فرصت‌های بهتر کسب‌وکار به شناسایی فرصت‌های بهتر و سودآورتر برای کسب‌وکار اشاره دارد. برخی نمونه‌های بررسی‌شده به شناسایی فرصت بهتر برای پیگیری، شراکت در کسب‌وکاری جدید و تأسیس شرکت جدید به‌عنوان دلایل خروج اشاره کرده‌اند. نمونه روایتی از مقوله بیان‌شده در ادامه مطرح می‌شود:

«همان موقع که درگیر مشکلات جریان نقدی بودیم، یکی از دوستان پیشنهاد همکاری در یک شرکت جدید را داد. تازه داشت شرکتش را تأسیس می‌کرد و به‌دنبال فردی می‌گشت که در راه‌اندازی بهش کمک کند چون خودش تجربه راه‌اندازی نداشت. من از طرفی از اینجا خسته شده بودم و پیشنهادش را قبول کردم.»

۲. شرایط نامساعد محیطی و قانونی برای کسب‌وکار

مقوله شرایط نامساعد محیطی و قانونی برای کسب‌وکار به شرایط محیطی حاکم بر فضای کسب‌وکار اشاره دارد. بیشتر نمونه‌ها به بی‌ثباتی در سیاست‌های دولتی و تغییر سیاست‌ها توسط دولت، نبود حمایت دولتی، قوانین دست‌وپاگیر، قوانین نامناسب، وضعیت ناپایدار اقتصاد کشور، تحریم‌های بین‌المللی و... به‌عنوان دلایل خروج اشاره کرده‌اند؛ برای مثال، یکی از نمونه‌ها اشاره می‌کند:

«تحریم‌ها خیلی به ما ضربه زد. تا یک جایی می‌توان مدیریت کرد، اما شدت نوسانات به حدی بود که از کنترل خارج شد و ما تصمیم گرفتیم که تعطیل کنیم. اگر این کار را نمی‌کردیم مثل برخی از همکارانی که در آن موقع تصمیم درستی نگرفتند ما هم دچار مشکلات اساسی‌تر می‌شدیم. ولی به نظرم آن موقع تصمیم درستی گرفته شد.»

۳. مشکلات مالی

مقوله مشکلات مالی به مشکلات تأمین مالی و مدیریت نقدینگی برای توسعه و همچنین فعالیت کسب‌وکار اشاره دارد که از دلایل خروج کارآفرینان بود؛ برای مثال، یکی از نمونه‌ها

می‌گوید:

«برای ادامه به حداقل سه میلیارد سرمایه گذاری نیاز داشتیم. برای وام خیلی پیگیری کردیم، اما به جایی نرسیدیم. چند نفر پیشنهاد کمک و مشارکت دادند، اما توقعشان خیلی بالا بود و عملاً چیزی برای خود ما باقی نمی ماند.»

۴. شرایط عاطفی

عوامل شخصی و عاطفی به مسائل شخصی و عاطفی فرد کارآفرین اشاره دارد و بسیاری از نمونه‌ها مشکلات خانوادگی و شخصی، نبود علاقه شخصی، نداشتن انگیزه کافی، دردهای زیاد و... را دلایل خروج خود دانستند. نمونه روایتی از مقوله بیان شده در ادامه می آید:

«... به مرور علاقه‌ام رو از دست دادم. اون چیزی که فکر می کردم از آب در نیومد و همش دردهای بی خود و بی جهت بود. زمان زیادی از من می گرفت، در صورتی که اگر همین وقت رو جای دیگه می گذاشتم نتایج بهتری می گرفتم.»

۵. بر آوردنکردن چشم انداز مثبت

بر آوردنکردن چشم انداز مثبت به نداشتن چشم انداز مناسب درباره آینده کسب و کار اشاره می کند. برخی از نمونه‌ها بازار بی آینده، صنعت راکد و بدون رشد، بازار بدون رشد و... را دلایل خروج بیان کردند.

«بینید یک حساب دو دو تا چهارتا بود. یک موقع شما وارد یک صنعتی می شوید و جا برای کار خیلی زیاد هست شما هم تلاش می کنید و نتیجه می گیرید، اما یک موقع می رسد که دیگه هیچ رشدی نیست. بعضی‌ها به همین می چسبند، چون راه دیگری ندارند، اما من می خواستم که کار جدید شروع کنم.»

۶. مشکلات مدیریت و اداره کسب و کار

مقوله بیان شده به مسائل مربوط به مدیریت و اداره کسب و کار اشاره دارد. نمونه‌های این پژوهش، بازاریابی ضعیف و شناخت ناکافی از بازار، ضعف بازاریابی، ضعف در پیش بینی فروش، ضعف کار تیمی، ضعف در برنامه ریزی و ضعف دانش عملیاتی و ضعف دانش

مدیریتی و... را دلایل خروج معرفی کرده‌اند. نمونه روایتی بیان شده برای این مقوله در زیر بیان می‌شود:

«بازاریابی ما خیلی ضعیف بود. شاید اگر تجربه الان رو داشتم نمی‌گذاشتم اون مسیر اتفاق بیفته، اما در اون موقع دانش و تجربه ما در همون حد بود. شاید اگر روی بازاریاب بیشتر سرمایه‌گذاری کرده بودیم و بیشتر توجه می‌کردیم می‌تونستیم نتیجه خیلی بهتری داشته باشیم.»

۷. مشکلات شراکت

مشکلات شراکت به مسائل پیش‌آمده بین شرکا و ناهماهنگی بین آن‌ها اشاره دارد که به قطع همکاری منجر شده است. نمونه‌های مورد بررسی ناهماهنگی شرکا، اختلاف بین شرکا، دیدگاه‌های متضاد و شراکت براساس رفاقت و آشنایی را دلایل خروج دانسته‌اند. نمونه روایتی برای این مقوله در ادامه مطرح می‌شود:

«اختلاف نظر خیلی زیاد بود. شراکتی که براساس رفاقت باشد و نه تخصص بی‌فایده است. به نظر من باید براساس تخصص همکاری کرد. ما دوستان خیلی خوبی بودیم، اما در کار اختلاف نظر زیادی داشتیم و این به کار شرکت لطمه می‌زد.»

بحث و نتیجه‌گیری

صاحب‌نظران باور دارند تصمیم به خروج بخشی از فرایند کارآفرینی است که بدون آن این فرایند کامل نمی‌شود (DeTienne, 2010: 204). خروج کارآفرینانه در فرایند کارآفرینی کمتر بررسی شده است. این کاستی به‌ویژه در مورد کارآفرینان ایرانی به چشم می‌خورد. اغلب پژوهش‌های انجام‌گرفته در مورد خروج به بررسی عوامل اثرگذار بر خروج یا آثار خروج بر کسب‌وکارها و بر اقتصاد کلان پرداخته‌اند. عوامل فردی، احساسی و عاطفی (Minor, 2003) و عوامل فردی، حرفه‌ای و بنگاهی (Wennberg, 2008) مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر تصمیم به خروج کارآفرینان شناخته شده‌اند. پس از رسیدن به این نتیجه که پژوهش جامعی در مورد ریشه‌های خروج کارآفرینان وجود ندارد، پژوهش حاضر با رویکردی روایتی - گفتمانی عوامل و ریشه‌های خروج کارآفرینان را بررسی کرد. براساس یافته‌های این پژوهش، هفت

عامل شرایط نامساعد محیطی و قانونی برای کسب و کار، شناسایی فرصت‌های بهتر کسب و کار، مشکلات مالی، عوامل شخصی و عاطفی، برآوردنکردن چشم‌انداز مناسب، مشکلات مدیریتی و اداره کسب و کار و مشکلات شراکت از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر خروج کارآفرینان هستند.

نتایج تحقیق با یافته‌های لروی و همکاران (۲۰۰۷) همخوانی دارد که به بررسی نتایج خروج براساس قصد، انگیزش و عوامل شخصیتی کارآفرینان مالک بنگاه پرداختند. در این پژوهش نیز شرایط عاطفی یکی از عوامل خروج شناسایی شد. یکی از عوامل خروج، شناسایی فرصت‌های بهتر کسب و کار است و این یافته‌های مارتز و کمپون (۲۰۰۴) را تأیید می‌کند که وجود فرصت‌های کسب و کاری دیگر را از عوامل مهم اثرگذار بر تصمیم به خروج افراد دانسته‌اند. به این ترتیب، از نظر آن‌ها کارآفرینان فرصت‌های سودآور بهتری را شناسایی می‌کنند و از بنگاه خارج می‌شوند تا از آن‌ها بهره‌برداری کنند. در تحقیق حاضر نیز این موضوع مشاهده شد. این عامل خروج با آن نوع کارآفرینان مورد اشاره دتینه (۲۰۱۰) هم‌خوانی دارد که انگیزه‌های اصلی آن‌ها رشد یا سود است و از ابتدای فرایند کارآفرینی خود نوعی راهبرد خروج از کسب و کار را تدوین و طراحی می‌کنند (DeTienne, 2010: 208). همچنین، نتایج با عوامل خروجی شناسایی شده از سوی دتینه (۲۰۱۰) هم‌خوانی دارد که عوامل روان‌شناختی، شناختی و انگیزشی، امکانات مالی و قوانین ورشکستگی را در خروج مؤثر می‌داند. در این تحقیق نیز مشکلات مالی، شرایط عاطفی و برآوردنکردن چشم‌انداز مناسب شناسایی شد.

پیشنهادها برای پژوهش‌های آتی

۱. با توجه به اینکه پژوهش پیش رو نخستین پژوهشی است که ریشه‌های خروج کارآفرینان ایرانی را مطالعه کرده و از رویکردی کیفی استفاده کرده است، پژوهش‌های آینده باید از روش‌های کمی نیز در شناسایی ریشه‌های خروج کارآفرینان بهره بگیرند.

۲. در فرایند انجام‌دادن این پژوهش نتیجه گرفته شد که بیشتر کارآفرینان دیدگاهی منفی

به خروج دارند و آن را مترادف شکست می‌دانند، در صورتی که خروج را می‌توان آغازی دوباره برای کارآفرینان دانست. باید تحقیقات بیشتری برای مرزبندی مشخص بین خروج و شکست کارآفرینان انجام گیرد.

۳. بیشتر پژوهش‌های پیشین به بررسی عوامل فردی و سازمانی اثرگذار بر خروج کارآفرینان پرداخته‌اند. بهتر است آثار عوامل محیطی، به‌ویژه محیط‌های متلاطم با میزان زیاد تغییرات، در زمینه خروج کارآفرینان بررسی شود.

۴. این تحقیق خروج کارآفرینان را بررسی کرده است. پیشنهاد می‌شود تحقیقات آینده خروج بنگاه کارآفرین را بررسی کنند.

پیشنهاد‌های کاربردی:

۱. برای کارآفرینان دوره‌های آموزشی برگزار شود و با آموزش روش‌های مناسب خروج به ادامه حیات کارآفرینانه آن‌ها کمک شود.
۲. مشکلات مالی همچنان یکی از مشکلات اساسی کارآفرینان است. توجه سیاست‌گذاران به این بخش ضروری است و راهکارهایی مثل فرشتگان کسب‌وکار و سرمایه‌گذاران مخاطره‌آمیز پیشنهاد می‌شود.
۳. مدیریت کسب‌وکار یکی از مشکلات اصلی کارآفرینان است. در این زمینه نیز آموزش لازم است.

منابع

- آراستی، زهرا و منیژه غلامی (۱۳۸۹)، «علل شکست کارآفرینان در ایران»، توسعه کارآفرینی، سال سوم، شماره ۸: ۱۶۳-۱۸۴.
- ایمانی‌پور، نرگس و مهدی کنعانی (۱۳۸۸)، «شناسایی عوامل مؤثر بر تصمیم به خروج سرمایه‌گذاران مخاطره‌پذیر»، توسعه کارآفرینی، سال دوم، شماره ۴: ۶۷-۸۳.
- دانایی‌فرد، حسن و سیدمجتبی امامی (۱۳۸۶)، استراتژی‌های پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه‌پردازی داده‌بنیاد»، اندیشه مدیریت، سال اول، شماره دوم: ۶۹-۹۷.

- محمدی الیاسی، قنبر و هادی نوتاش (۱۳۹۰)، «شناسایی ریشه‌های شکست کارآفرینان کارکشته ایرانی: نگاهی روایتی گفتمانی»، توسعه کارآفرینی، سال چهارم، شماره ۱۳: ۳۱-۵۰.
- نوتاش، هادی (۱۳۹۲)، «ارائه چارچوب یادگیری از شکست کارآفرینان کارکشته ایرانی با نگاهی فرایندی»، توسعه کارآفرینی، سال ششم، شماره ۶: ۱۳۱-۱۴۹.
- Boeker, W. & Wiltbank, R. (2005). "New venture evolution and managerial capabilities", *Organization Science*, 16(2): 123- 133.
- Cardon, M. S., Zietsma, C., Saporito, P., Matherne, B. P. & Davis, C. (2005). "A tale of passion: New insights into entrepreneurship from a parenthood metaphor", *Journal of Business Venturing*, 20(1): 23- 45.
- Creswell, J. W. (2005), *Educational Research: Planning, Conducting, and Evaluating*, Quantitative and Qualitative Research, 2nd edition, CA: Sage Publications.
- Decker, C. & Mellewigt, T. (2007). "Thirty years after Michael E. Porter: what do we know about business exit?" *The Academy of Management Perspectives*, 21(2): 41- 55.
- DeTienne, D. R. (2010). "Entrepreneurial exit as a critical component of the entrepreneurial process: Theoretical development", *Journal of Business Venturing*, 25(2): 203- 215.
- Dodd, S. D. (2002). "Metaphors and meaning: A grounded cultural model of US entrepreneurship", *Journal of Business Venturing*, 17(5): 519- 535.
- Haveman, H. A. & Khaire, M. V. (2004). "Survival beyond succession? The contingent impact of founder succession on organizational failure", *Journal of Business Venturing*, 19(3): 437- 463.
- Headd, B. (2003). "Redefining business success: distinguishing between closure and failure", *Small Business Economics*, 23(1): 51- 61.
- Kessler, R. (2006). *Competency-based interviews*, Career Press.
- Leroy, H., Manigart, S. & Meuleman, M. (2007). *Exit processes of micro-businesses: the decision to transfer*, Unpublished manuscript.
- Maertz, C. P. & Campion, M. A. (2004). "Profiles in quitting: Integrating process and content turnover theory", *Academy of Management Journal*, 47(4): 566- 582.
- Minor, N. (2003). *Deciding to sell your business: The key to wealth and freedom*, Business Enterprise Press.
- Petty, J. (2000). Harvesting firm value: Process and results, *Entrepreneurship*, 71- 98.

- Reynolds, P. D. & White, S. B. (1997). *The entrepreneurial process: Economic growth, men, women, and minorities*, Quorum Books, Westport, CT.
- Ronstadt, R. (1986). "Exit, stage left why entrepreneurs end their entrepreneurial careers before retirement", *Journal of Business Venturing*, 1(3): 323- 338.
- Schutt, R. K. (2011). *Investigating the social world: The process and practice of research*, Pine Forge Press.
- Wennberg, K., Wiklund, J., DeTienne, D. R. & Cardon, M. (2007). *Human capital predictors of entrepreneurs' exit paths*, Working Paper.
- Wennberg, K. (2008). *Entrepreneurial Exit*, Forthcoming In J. P. Dana (Ed.) Edward Elgar Encyclopedia of Entrepreneurship, Cheltenham: Edward Elgar.
- Wennberg, K., Wiklund, J., DeTienne, D. R. & Cardon, M. S. (2010). "Reconceptualizing entrepreneurial exit: Divergent exit routes and their drivers", *Journal of Business Venturing*, 25(4): 361- 375.